

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۰ جون ۲۰۱۹

شاعر «دست از آرزو هامان بر نمی داریم» در گذشت!

عیدی نعمتی، شاعر ایرانی که سالیانی دراز در شهر تورنتو - کانادا زندگی می کرد روز جمعه هفدهم خرداد - هفتم جون برای همیشه چشم از جهان فرو بست. نعمتی متولد ۱۳۳۳ شهر آقاجاری بود و در یک خانواده کارگری چشم به جهان گشوده بود. وی از نسل شاعران سیاسی بود که با دنیائی پر از امید و آرزو در جهت تحقق یک دنیای بهتر و انسانی تر در جامعه ایران، با تمام وجود در انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران مبارزه کرده بود. وی زندانی سیاسی دو حکومت، یعنی زندانی دوران پهلوی و حکومت اسلامی بود. عیدی در تبعید نیز نه تنها گوشه نشین نشد، بلکه تا آخر عمرش با وجود دردهای جانکاه بیماریش و مشکلات تبعید، هرگز دست از مبارزه نکشید.



عیدی نعمتی، یک شاعر تبعیدی بود، شعر او بازگوی دردها و رنج های مردم محروم و ستم دیده و در عین حال پر از امید و آرزو بود:

جاده ها

در ما سفر می کنند

آدرس ها کهنه می شوند

ما خانه عوض می کنیم و

دست از آرزو هامان بر نمی داریم

پا در راه

به شوق دیدارت

شب

سراغت را از ستاره می‌گیریم

روزی

چمدان خاطره‌ها و

سفر نامه ما را

کسی از اهالی صبح

پیدا می‌کند!

عیدی درباره خودش و خواندن و نوشتن‌اش گفته است: «در فضائی که بوی بابونه و نفت می‌داد، دنیا را نظاره می‌کردم و برای فهم زندگی به کتاب پناه می‌بردم. از آن‌جا که در جوامع استبداد زده، دیواری مرز هنر و ادبیات را از سیاست جدا نمی‌کند، سر بر بالش سیاست گذاشتم و خواب‌های آشفته که تا هم اکنون نیز ادامه دارد شروع شد. چند سالی نیز به گفته زنده یاد به آذین مهمان آقایان بودم. آن‌گاه که روی موج صدای مردم به ساحل زندگی باز آمدم، هنوز عرق‌ها خشک نشده آواره دنیا شدم. در تمام این سال‌ها شعر همدم و همراه من بوده در گذر از چم و خم روزگار. اگر تاریخ از رویدادها فاصله می‌گیرد تا آن را بازگو کند، هنر و ادبیات از درون با هستی و گذران آدمی سر و کار دارد و شعر نزدیکترین و درونی‌ترین روایت‌گر آدمی است.»

دست دراز می‌کنم

از دل این شب

ستاره‌ای بر می‌دارم

پرتاب می‌کنم

تا ژرفای اقیانوسی که نمی‌دانم نامش چیست.

فردا

در ساحل زندگی

کودکی ستاره‌ای خواهد یافت

با شادی کودکانه

آن را به خانه‌ای خواهد برد

که در کوچه‌های آن

سرود زندگی به زبانی دیگر

ترانه نسلی می‌شود

که شب‌ها

چشم به آسمان زندگی

پی‌جوی ستاره خود هستند.

از عیدی نعمتی، چهار مجموعه شعر به یادگار مانده است:

«چقدر سوراخ روی این دیوار است» (۲۰۰۸)؛ «صمیمیت‌های غارت شده» (۲۰۱۲)؛ «باد از پسِ پلکِ یاد می‌وزد» (۲۰۱۴) و «آخرین انار پائیز» که نشر زاگرس دو سال پیش از درگذشت او منتشر کرده است.

نام و یاد شاعر پیکارگر ما «عیدی نعمتی» فراموش شدنی نیست؛ درگذشت این شاعر راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را به همسر گرامی‌اش سوسن و به فرزندانش مارال و سیاوش و همه دوستان و هم‌زمانش در سازمان راه کارگر و اهالی قلم تسلیت می‌گویم و شریک غم و اندوهشان هستم! شاعر ما سروده است:

کمی بیش‌تر از همیشه دوستت دارم

کمی از بیش‌تر از همیشه دوستم بدار

شاید سهم فردا را نبینیم

این‌جا

سرزمین باده‌ها،

گم شدن‌های ناگهانی است؛

یاد عیدی نعمتی گرامی باد!